

« ای برادر عقل یکدم با خود آر دمبدم در تو خزان است و بهار»

شماره پرسش: ۳۶۵۸

تاریخ ارسال پرسش: ۱۳۹۱/۱۱/۲۲ ۰۶:۰۰:۰۰

متن پرسش

سلام حضرت استاد بنده نمی دانم چرا احوالاتم در ارتباط با خدا متغیر است. گاهی حالت سردی و بی رغبتی به عبادت دارم و گاهی شوق و علاقه، آیا این حالت همانی است که به اصطلاح قبض و بسط روح میگویند؟ آیا می شود انسان به حالتی برسد که هر آن اراده کند حال دعا و مناجات برایش پیدا شود؟ آیا خود حضرت عالی این حالت را تجربه کرده اید؟ می خواهم بدانم این حالت برای من که خیلی از معارف را می دانم چه قدر عادی است؟ زمانی یک حالت شوق و نشاط معنوی مداوم داشتم اما کم کم سردی و رخوت در من رخنه کرد. چگونه میتوان این حالت را علاج کرد؟ متشکرم

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ظاهراً قصه از همین قرار است در حدّی که مولوی هم ما را نصیحت می کند که عاقلانه با این موضوع برخورد کنیم و نگران نباشیم. می گوید: « ای برادر عقل یکدم با خود آر دمبدم در تو خزان است و بهار» . موفق باشید